

درس‌هایی که حضرت زینب علیها السلام از

معلمان خویش فرا گرفت

سید جواد حسینی

اشاره

حضرت زینب علیها السلام در دوران زندگی از محضر پنج معلم برجسته و فوق‌العاده مکارم اخلاقی، علمی و تربیتی را آموختند؛ تا چهارسالگی در محضر معلم کل بشریت، حضرت محمد صلی الله علیه و آله در حد ظرفیت خویش پای مکتب وحی نشستند و در همین مدت تحت تربیت مستقیم مادرشان حضرت زهرا علیها السلام نیز بودند و بزرگ‌ترین درس؛ یعنی عفت و حیا را از مادر آموختند. بعد از آن مستقیماً تحت تعلیم و تربیت پدر بزرگوارشان، امام علی علیه السلام قرار گرفتند و نزدیک ۳۵ سال از محضر پدر بهره گرفتند؛ به‌طوری‌که در دوران خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام به‌صورت رسمی در کوفه درس تفسیر قرآن داشتند. یکی از

مهم‌ترین چیزهایی که از پدر به صورت برجسته داشتند، فصاحت و بلاغت بود. بعد از پدر، تحت اشراف برادر بزرگوارشان، امام مجتبی علیه السلام قرار گرفته و از حضرت درس‌های فروانی، از جمله حلم و بردباری را آموختند. سپس در مکتب برادر محبوب و مولایش، اباعبدالله الحسین علیه السلام علاوه بر کسب معارف الهی و مکارم اخلاق، درس شهامت و شجاعت را نیز فراگرفته و برای نهضت عاشورا به‌خوبی آماده شدند.

«شیخ جعفر نقدی رحمته الله می‌گوید: «فَالْخَمْسَةُ أَصْحَابُ الْعَبَاءِ علیهم السلام هُمُ الَّذِينَ قَامُوا بِتَرْبِيَّتِهَا وَ تَنْقِيْفِهَا وَ تَهْذِيْبِهَا وَ كَفَاكَ بِهِمْ مُؤَدِّبِينَ وَ مُعَلِّمِينَ؛^۱ پنج تن آل عبا علیهم السلام کسانی بودند که به تربیت و

۱. زینب الکبری علیها السلام، جعفر نقدی، شریف

رضی، قم، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۰؛ ریاحین

الشریعه، شیخ ذبیح الله محلاتی، دارالکتب

الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۹ ق، ج ۳، ص ۶۰.

فرهنگ‌سازی و تهذیب وی (حضرت
زینب) همت گماردند و همین بس که
آنها ادب‌کننده و آموزگار باشند.»

شیخ محمدحسین اصفهانی رحمته الله می‌سراید:

ما ورثته من نبی الرحمة
جوامع العلم اصول الحکمة

سر اییها فی علو الهمة
والصبر فی الشدائد الملمة

ثباتها تنبئ عن ثباته
کان فیها کل مکرماته

لها من الصبر علی المصائب
ما جل ان یعد فی العجائب ۱

۱. زینب کبری علیها السلام عقیده بنی هاشم، حسن
الهی، مؤسسه فرهنگی آفرینه، تهران، چاپ
اول، ۱۳۷۵ش، صص ۶۴ - ۶۷.

«او جوامع علم و اصول حکمت را از
پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله به ارث برده است. در
بلندمرتبه بودن همت و صبر در
سختی‌های خسته‌کننده و طاقت‌فرسا سر
پدرش بود؛ استقامت و ثباتش از
استقامت و ثبات پدرش خبر می‌دهد،
گویا در وجود او تمام کرامتها [و
صفات پسندیده] امیرالمؤمنین علیه السلام وجود
دارد. در صبر و شکیبایی بر مصیبتها،
آن‌چنان بود که نزدیک است از عجایب
شمرده شود.»

پس حضرت زینب علیها السلام تربیت شده
پنج‌تن آل عبا، از پنج معلم درسهای
فراوان آموختند که در این مختصر به
پنج درس و نکته مهم در زندگی ایشان
اشاره می‌گردد؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله علم و
عقلانیت، از مادرشان حیا و عفت، از
پدرشان فصاحت و بلاغت، از امام
حسن علیه السلام صبر و بردباری و از امام
حسین علیه السلام شجاعت و شهامت؛ البته این
درسها اختصاصی نیستند و ممکن است

از تمام این بزرگواران همه این درسها را آموخته باشد.

درس یکم:

زینب علیها السلام و علم و عقلانیت نبوی ﷺ

یکی از القاب حضرت زینب علیها السلام «عقیله العرب» یا «عقیله بنی هاشم» است و بنا بر قول دقیق «تای» عقیله العرب، تای مبالغه است، نه تای تأنیث؛ بنابراین عقیله العرب یعنی بانویی که منسوب به عرب و از طرفی بسیار خردمند است.

بر اساس بعضی از روایات، حضرت زینب علیها السلام دارای مجلس علمی پرباری بوده و زنانی که می‌خواستند مسائل دینی بیاموزند، در آن مجلس حاضر شده، کسب دانش می‌کردند. ۱ کافی است تاریخ عاشورا را از ذهن خود بگذرانیم و حضرت زینب علیها السلام را در

برابر آن‌همه مصائب، تنها بینیم و عملکرد او را با وجود این‌همه مصیبت بنگریم؛ آنگاه عقیله بودن آن بانوی با عظمت بهتر قابل فهم و درک خواهد بود.

آن حضرت را «عقیله الطالبین» ۲ و «عقیله القریش» و «عقیله النساء» نیز لقب داده‌اند. در متون قدیم و جدید این لقب به آن بانوی مخدیره اطلاق شده ۳ و در منابع معتبر شیعه و سنی آمده است. مثلاً «ابن عباس» وقتی می‌خواهد از ایشان چیزی نقل کند، می‌گوید: «حَدَّثَنِي عَقِيلَتْنَا زَيْنَبُ؛ عَقِيلَةٌ مَا لِلَّهِ مِنْ رَوَايَةٍ كَرَّةً» ۴.

۲. خاتون دو سرا، فیض الاسلام، انتشارات اسراء، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش، ص ۱۳۷.
۳. مقاتل الطالبین، ابی الفرج اصفهانی، منشورات، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۹.

۴. عوالم العلوم و المعارف، عبدالله بحرانی اصفهانی، قم، موسسه الامام المهدی علیها السلام، ج ۱۱، ص ۹۵۷.

۱. المنجد الطلاب و کتاب العین چنین معنا کرده است: «العقیله المرأة مخدیره و عقیله کل شیء اکرمه»، چاپ اسوه، قم، ج ۲، ص ۲۵۴.

در مجلس یزید، آن مرد سرخ رنگ شامی، وقتی با جسارت به حضرت سکینه علیها السلام، از یزید خواست که او را به وی ببخشد، آن مخدره می‌گوید: «من به زینب پناه بردم؛ چراکه او بزرگ‌تر و عاقل‌تر از من بود.»^۱

خطبه‌های غراء و آتشی‌نی که در کاخ یزید و عبیدالله یا بین مردم کوفه و شام ایراد کرد، نشان خردمندی حضرت است. از کارهای مدبرانه و عاقلانه ایشان این بود که در حین کوچ دادن اسرا به شام دستور داد محملها را سیاهپوش کنند، این کارهای او از نظر دشمن بی‌اهمیت بود؛ ولی عقل و درایت حضرت و آینده‌نگری ایشان برای حفظ نهضت حسینی، به این مظاهر پرمعنی حکم می‌نمود.

علامه قزوینی رحمته الله می‌نویسد: عقل و درایتی که زینب علیها السلام داشت، حادثه

کربلا را رهبری کرد و از فرزندان امام چنان آبرومندانه سرپرستی نمود و جان امام زین‌العابدین علیه السلام را از مرگ حتمی نجات داد و کاخ یزید را به لرزه درآورد و نهضت حسینی را تا به امروز زنده و پاینده نمود.^۲

امام سجاد علیه السلام نیز از ایشان را بسیار تجلیل و احترام نموده است. برای نمونه، وقتی یزید بعد از اینکه آنها را مخیر نمود به ماندن در شام یا عودت به مدینه، امام مسئله را موکول به رأی حضرت زینب علیها السلام کردند. ایشان در مقام علمی آن حضرت چنین فرموده‌اند: «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ»^۳ شکر خدا ای عمه! تو

۲. زینب من المهد الى اللحد، سید محمدکاظم قزوینی، چاپ و نشر، قم، چاپ اول، ۱۴۲۳ق، ص ۴۰.

۳. الإحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، مصحح: محمدباقر خراسان، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۰.

۱. همان.

وَهُوَ يَدُلُّ عَلَى عَقْلِ وَقُوَّةِ جَنَانٍ؛^۲ او بانویی خردمند و عاقل بود و از قوت قلب [و مقاومت] برخوردار بود.»

دکتر «عایشه بنت الشاطی»، بانوی نویسنده اهل سنت، می گوید: «زینب علیها السلام در تاریخ اسلام و انسانیت به عقیده بنی هاشم معروف است. او قهرمانی است که برای برادر شهید و بزرگش فداکاری کرد و دولت بنی امیه را در شرف نابودی قرار داد و مسیر تاریخ را تغییر داد.»^۳

درس دوم:

زینب علیها السلام و حیا و عفت مادری علیها السلام

دانشمندی هستی بدون اینکه از کسی تعلیم ببینی و فهمی هستی بدون اینکه کسی چیزی را به تو یاد بدهد.»؛ یعنی آنچه داری، در تو ذاتی است، نه اکتسابی. اینها حقایقی است که علمای بزرگ اهل سنت نیز بدان معترفند.

«ابن اثیر» از مورخین بزرگ اهل تسنن، می گوید: «وَكَانَتْ زَيْنَبُ امْرَأَةً عَاقِلَةً لَبِيبَةً جَزَلَةً... وَهُوَ يَدُلُّ عَلَى عَقْلِ وَقُوَّةِ جَنَانٍ؛^۱ زینب زنی بود عاقل و خردمند و با ذکاوت... و این (کلام حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید) بر عقل و قوت قلب [و پایداری او] دلالت می کند.»

همچنین «جلال الدین سیوطی» از مفسرین بزرگ اهل تسنن، می گوید: «وَكَانَتْ زَيْنَبُ امْرَأَةً عَاقِلَةً لَبِيبَةً جَزَلَةً»

۲. فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة المصطفی ص ۶۴۰.

احمد رحمانی همدانی، نشر مرضیه، ص ۶۴۰.

۳. بطله کربلا، عائشه بنت الشاطی، بانوی

کربلا، مترجم؛ سید رضا صدر، قم، انتشارات

دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ص ۵۸ -

۵۹.

۱. اسد الغابه، ابن اثیر، دارالمعرفه، بیروت،

ج ۵، ص ۳۰۰؛ الاصابه، ابن حجر عسقلانی،

دارالجلیل، بیروت، ج ۷، ص ۶۸۴.

حیا زیباترین لباس است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «أَحْسَنُ مَلَأَسِ الدِّينِ الْحَيَاءُ»^۱ نیکوترین لباس دین، حیا است.»

پاسدار عفت و پاکی منم
با حیا در چادر خاکی منم

من حیا را مرزداري کرده‌ام
بانوان را جمله یاری کرده‌ام

حضرت زینب علیها السلام از دامن مادری معصومه، همچون حضرت زهرا علیها السلام به دنیا آمدند که تمام وجود ایشان حیا و عفت بود. حضرت زهرا علیها السلام کسی هستند که وقتی نابینایی وارد منزل می‌شود، پشت پرده می‌روند، مبادا بوی خوششان به مشام نابینا برسد. مادری که

از تقسیم کارها به بیرونی و منزل که کارهای درون خانه به او سپرده شد، بسیار خوشحال می‌شوند؛ چراکه نمی‌خواهند نگاه نامحرم به ایشان بیفتد و ده‌ها مورد دیگر. حضرت زینب علیها السلام از این مادر درس عفت و حیا فراگرفته‌اند.^۲

امروزه ثابت شده است که بخشی از صفات خوب و بد، از راه وراثت، از نسلی به نسلی منتقل می‌شوند و در کنار وراثت، تربیت مطرح است. در زندگی حضرت زینب علیها السلام این دو عامل (وراثت و تربیت) در بالاترین حد خویش وجود داشته است، چنانکه در زیارتنامه آن بانوی بزرگوار می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلٰی مَنْ رَضَعَتْ بِلَبَانِ الْإِيْمَانِ؛ سلام بر کسی که از پستان ایمان شیر نوشید.»

۱. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لثی واسطی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۸.

۲. ر.ک: فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، محمد دشتی، انتشارات مشهور، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ش، ص ۵۰ - ۵۵.

این کار را سؤال کردند، حضرت فرمودند: «أَخْشَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَى شَخْصٍ أُخْتُكَ زَيْنَبُ؛^۱ از آن می‌ترسم که کسی خواهرت زینب را ببیند.»

۲. حیا در آغاز جوانی

دکتر «بنت الشاطی» می‌گوید: زینب علیها السلام در آغاز جوانی چگونه بوده است؟ مراجع تاریخی از وصف رخساره ایشان در این اوقات خودداری می‌کنند؛ زیرا وی در خانه و رو بسته زندگی می‌کرد. فقط از پشت پرده ایشان را زیارت می‌کردند؛ ولی پس از گذشتن ده‌ها سال از این تاریخ، حضرت زینب علیها السلام از خانه بیرون می‌آیند و مصیبت جانگداز کربلا ایشان را به ما نشان می‌دهد.^۲

آری! زینب کبری علیها السلام از ابتدا در آغوش پرمهر مادر عفت و حیا را فراگرفتند. به نمونه‌هایی از حیای ایشان اشاره می‌گردد:

«یحیی مازنی» از علمای بزرگ و راویان حدیث، نقل می‌کند: مدتها در مدینه، در همسایگی حضرت علی علیها السلام در یک محله زندگی می‌کردم. منزل من در کنار منزلی بود که حضرت زینب، دختر علی علیها السلام در آنجا سکونت داشتند، حتی یک بار هم کسی حضرت زینب علیها السلام را ندید و صدای ایشان را نشنید. ایشان هرگاه می‌خواستند به زیارت جد بزرگوارشان بروند، در دل شب می‌رفتند؛ در حالی که پدرشان حضرت علی علیها السلام در پیش و برادرانش حسن و حسین علیها السلام در اطراف ایشان بودند.

وقتی به نزدیک قبر شریف رسول خدا ﷺ می‌رسیدند، امیرالمؤمنین علی علیها السلام شمعهای روشن اطراف قبر را خاموش می‌کردند. یک روز امام حسن علیها السلام علت

۱. زینب کبری علیها السلام، ص ۲۲؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۰.

۲. بانوی کربلا، عائشه بنت الشاطی، مترجم: سید رضا صدر، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۸ش، صص ۵۸ - ۵۹.

تاریخ او را ندیده است؛ چراکه حیاى او مانع از آن شده و مادرش توصیه کرده است که: «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ»^۱ بهترین برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان [نیز] او را نبینند. و اگر دستور الهی و آسمانی نبود که «إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَّأً»^۲ به راستی که خدا خواسته آنها را اسیر ببیند. امام حسین (علیه السلام) هرگز خواهرش را به سفر کربلا نمی برد.

بسیار مناسب است مبلغین گرامی ضمن بیان موضوع حیا و عفت بر موضوع غیرت مردان نیز تأکید کنند.

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، دارالکتب الاسلامیه، بیروت، ج ۱۴، ص ۴۳، ح ۷.

۲. اللهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، انتشارات جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ ش، ص ۶۵.

درس سوم:

زینب (علیه السلام) و فصاحت و بلاغت
علوی (علیه السلام)

هر خطیبی بخواهد فصیح و بلیغ سخن بگوید، علاوه بر استعداد ذاتی و تمرین، در حین خطابه لازم است از نظر روانی و جسمانی کاملاً آماده و شنوندگان نیز باید با او هماهنگ باشند. در غیر این صورت، توان سخن گفتن نخواهد داشت، تا چه رسد به اینکه بخواهد فصیح و بلیغ سخن بگوید.

حضرت زینب (علیه السلام) بدون آنکه آموزش خطابه دیده باشند، فقط خطبه‌های پدر را دیده و شنیده بودند، در حال تشنگی، گرسنگی، خستگی اسارت و داغدار و آواره، خطبه‌ای خواندند که همه را تحت تأثیر قرار دادند.^۳ این سخنان چنان فصیح و مؤثر بود که صدای گریه

۳. الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۳.

باشید! نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد و زنگ‌ها که در گردن اسبها و استرها بود، از حرکت ایستادند.»

صدای زنده علی به صوت دلپذیر تو اسیر شام بودی و یزید شد اسیر تو و همو می‌گوید: پیرمردی را دیدم در حال گریه که می‌گفت: پدر و مادرم فدای شما باد! پیرمردان شما بهترین پیرمردها، جوانان شما برترین جوانها و زنان شما نیکوترین زنان هستند. نسل شما بهترین نسلی است که نه خوار می‌گردد و نه شکست می‌پذیرد.^۳

۲. شیخ جعفر نقدی رحمته الله می‌نویسد: می‌گویم: این بشیر بن حزیم (راوی این خبر) از فصحا و سخنوران نیکوگفتار عرب است که از فصاحت و زبان‌آوری و نیکوگفتاری و از بلاغت و رسایی سخن و مطابق اقتضای مقام و مناسب

از زن و مرد، پیر و جوان و خردسال بلند شد.

۱. «بشیر بن حزیم اسدی»^۱ می‌گوید: در آن روز حضرت زینب علیها السلام را مشاهده کردم: «لَمْ أَرَ خَفِرَةً قَطُّ أَنْطَقَ مِنْهَا، كَأَنَّهَا تُفْرِغُ عَنْ لِسَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ قَدْ أَوْمَأَتْ إِلَى النَّاسِ أَنْ أُسْكُتُوا فَارْتَدَّتِ الْأَنْفَاسُ وَ سَكَتَتِ الْأَجْرَاسُ؛^۲ تا آن روز بانوی پوشیده و نجیبی را مانند او هرگز ندیده بودم که از او شیواتر سخن بگوید. گویی سخنانش از زبان حضرت علی علیه السلام فرو می‌بارید. به مردم اشاره کرد که ساکت

۱. بشیر بن خزیم، و خذیم بن شریک نیز گفته شده که از اصحاب امام سجّاد علیه السلام بود. (همان، ج ۱، ص ۲۹) و در بعضی از متون، مانند بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۰۸ تعبیر به بشیر بن حزیم اسدی شده است (مترجم)؛ غم‌نامه کربلا (ترجمه اللهوف علی قتلی الطفوف سید بن طاووس)، ص ۱۶۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۰۸.

۳. همان، ص ۱۱۰.

حال مخاطب سخن گفتن حضرت زینب علیها السلام تعجب نموده و به شگفت آمده است، و از بلاغت و برتری فضل و کمال و علم و دانش و شجاعت و ادب و دلاوری پسندیده آن مخدره، حیرت و سرگردانی او را فرا گرفته، به طوری که نتوانسته او را (به کسی) تشبیه کند، مگر به پدرش، سید و بزرگ هر بلیغ و فصیحی. پس (از این رو) گفته است: «كَأَنَّهَا تُفْرِغُ عَنْ لِسَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام؛^۱ گویا حضرت زینب علیها السلام (سخنانش را در کوفه) از زبان امیرالمؤمنین عليه السلام قصد و آهنگ می نمود.» و هر که درباره کربلا و احوال و سرگذشت امام حسین عليه السلام کتابی نوشته، این خطبه و سخنرانی را نقل کرده است.

۳. حافظ در «البيان والتبيين» این خطبه را از «خزیمه الاسدی» روایت نموده که

۱. الامالی، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم،

۱۴۱۳ق، ص ۳۲۱.

خزیمه گفت: زنان کوفه را در آن روز دیدم به پا ایستاده (بر کشته شدگان در کربلا) ندبه و زاری و شیون می نمودند، در حالی که گریبانها (شان را) می دریدند.^۲

۴. «عمر أبو النصر» می نویسد: «حضرت زینب علیها السلام نشان داد که از اکثر اهل بیت جسورتر و بلیغ تر بوده تا آنجا که ضرب المثل شده است و کتابها و تاریخ نویسان بر آن گواهی می دهند.»^۳

درس چهارم:

زینب علیها السلام و صبر و استقامت حسنی عليه السلام
امیرمؤمنان علی عليه السلام می فرمایند: «أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا، وَالرَّوَاتِعَ

۲. برگرفته از: ۲۰۰ داستان از فضایل مصایب

و کرامات حضرت زینب علیها السلام، عباس عزیزی، قم، نشر سلسله، چاپ اول، ۱۴۹۳ ق، ص ۱۰۰.

۳. فاطمه بنت محمد رضی الله عنهما، حسن علی ابراهیم،

حسن علی ابراهیم، مکتبه النهضة المصریه،

چاپ اول، ۱۹۵۰ م، ص ۳۰.

حضرت می‌خوانیم: «قَدْ عَجِبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ؛ ۳ ملائکه آسمان از صبر تو به شگفت آمدند.» مخصوصاً در ماجرای کربلا آن‌چنان صبر و رضا و تسلیم از خود نشان داد که صبر هم از روی او خجل است.

خدا در مکتب صبر علی پرداخت زینب را

برای کربلا با شیر زهرا ساخت زینب را

بسان لیلۃ القدری که مخفی ماند قدر او

کسی غیر از حسین بن علی شناخت زینب را

الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا، وَالنَّابِتَاتِ الْعَذِيَّةَ أَقْوَى وَقُودًا وَأَبْطَأَ خُمُودًا؛ ۱ آگاه باشید! چوب درختان بیابانی سخت‌تر و گیاهان سبز، پوستشان نازک‌تر است. درختان بیابانی [که به‌وسیله باران سیراب می‌شوند] آتش چوبشان شعله‌ورتر و پردوام‌تر است.»

تا نبیند رنج و سختی مرد، کی گردد تمام
تا نیاید باد و باران گل کجا بویا شود

قرآن کریم در آیات متعددی به صابران بشارت داده است ۲ و پاداشهای فراوان آنها را یادآوری نموده. حضرت زینب علیها السلام از جهت صبر در اوج کمال قرار داشته است. در زیارتنامه آن

۱. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، میرزا

حبیب الله هاشمی خویی، مکتبه الإسلامیه،

تهران، ۱۴۰۰ق، ج ۲۰، ص ۱۲۰.

۲. ر.ک: بقره / ۱۵۵ و....

۳. زیارتنامه حضرت زینب (زیارتنامه

المفجعه)، علی حبیب‌اللهی، گروه فرهنگی

قرآن و عترت، قم، ۱۳۹۴، ص ۹.

علامه مامقانی رحمته الله می گوید: «وَ هِيَ فِي الصَّبْرِ وَ الثَّبَاتِ وَ حَيَّةٌ»^۱ او در صبر و پایداری یکتا و بی همتا بود.

«قدمه بن زائده» از پدرش نقل می کند که امام سجاد علیه السلام به من فرمودند: ای زائده! شنیده ام به زیارت امام حسین علیه السلام می روی؟ چگونه به زیارت ایشان می روی و حال آنکه مقام و منزلتی نزد سلطان خود داری؟ سلطانی که محبت ما را تحمل نمی کند. عرض کردم: به خدا قسم! چنین نمی کنم، مگر به خاطر خدا و رسولش و از هیچ غضبی (از ناحیه سلطان) نمی ترسم. سپس امام خبری را برایم نقل فرمودند که: وقتی در کربلا یاران پدرم شهید شدند و برای اسیری روانه کوفه می شدیم، به اجساد شهیدان که دفن نشده بودند، نگاه

می کردم و این برایم سخت بود تا جایی که نزدیک بود جان از بدنم جدا شود؛ اما عمه ام زینب علیه السلام آمد و گفت: «مالی أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَ أَبِي وَ إِخْوَتِي»^۲ چه شده است که می بینم می خواهی بذل جان کنی؟ ای باقیمانده جد و پدر و برادرانم، گفتم: چگونه ناراحت نباشم و حال آنکه پدر و برادران و عمو و پسرعمو و اهلیم به خونهایشان آغشته شده و برهنه هستند و کفن نشده و دفن نگردیده اند؟

عمه ام گفت: «لَا يُجْزِعُكَ مَا تَرَى فَوَ اللَّهُ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى جَدِّكَ وَ أَيْبِكَ وَ عَمِّكَ»^۳ آنچه می بینی تو را غمگین نکند، به خدا قسم! این عهدي است از فرستاده خدا به جدت و پدرت و عمویت. گفتم: این عهد چیست و این خبر کدام است؟ گفت: ام

۱. تنقیح المقال، عبدالله مامقانی، محقق محمد

رضا و محی الدین مامقانی، قم، مؤسسه آل

بیت علیه السلام، قم، ۱۳۸۹ ش، چاپ اول، ج ۳،

ص ۷۹.

۲. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۵۷.

۳. همان.

دشمنان قرار گرفته، شهید می‌شود و بدترین خلق او را خواهند کشت...

«وَإِنَّ سِبْطَكَ هَذَا وَ أَوْمًا بِيَدِهِ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقْتُولٌ فِي عَصَابَةٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ أَهْلِ بَيْتِكَ وَ أَخْيَارٍ مِنْ أُمَّتِكَ بِضِعْفِ الْفُرَاتِ؛ ۱ و نوّه تو - اشاره فرمود به امام حسین علیها السلام - بین گروهی از ذریه و اهل بیت و خوبان امت تو در کنار فرات کشته خواهد شد، در زمینی که کربلا نام دارد.» سپس پیامبر ﷺ فرمودند: «فَهَذَا أَبُكَانِي وَ أَحْزَنَنِي؛ این بود آنچه مرا به گریه انداخت و محزون ساخت.»

در ادامه حضرت زینب علیها السلام به امام سجاد علیها السلام عرض کردند: وقتی ابن ملجم که لعنت خداوند بر او باد بر پدرم ضربه زد و اثر شهادت را در چهره ایشان دیدیم، به حضرت عرض کردم که ام ایمن برایم این گونه نقل کرده؛ اما

ایمن برایم نقل کرد: روزی رسول خدا ﷺ به منزل فاطمه علیها السلام آمدند. من برای ایشان غذایی تهیه کردم و حضرت علی علیها السلام نیز یک طبق خرما آوردند. من ظرفی از شیر و حلوا برای ایشان آوردم و پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام از آن غذا و شیر و خرما تناول کردند، سپس حضرت به آنها نگاهی کردند، ما دانستیم که از روی سرور و شادمانی است... سپس به سجده افتادند و صدای گریه ایشان بلند شد و اشکهایشان همچون باران جاری بود...

حضرت علی و فاطمه علیهما السلام از پیامبر ﷺ پرسیدند: چرا گریه می‌کنید؟ خداوند چشمانتان را گریان نبیند، از این حالت شما قلب ما جریحه‌دار شد. حضرت فرمودند: جبرئیل علیها السلام بر من فرود آمد و گفت: ای محمد! همانا برادرت پس از تو مغلوب واقع می‌شود و مورد حمله

دوست دارم از شما آن را بشنوم، پدرم فرمودند: «يَا بُنَيَّةُ الْحَدِيثُ كَمَا حَدَّثْتِكِ أُمُّ أَيْمَنَ وَكَأَنِّي بِكِ وَبِنِسَاءِ أَهْلِكَ سَبَايَا بِهَذَا الْبَلَدِ أَذِلَّاءَ خَاشِعِينَ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَصَبِّرَا! صَبِّرَا! دخترم! این خبر همان گونه است که ام ایمن برایت نقل کرده است. گویا تو و دختران اهل تو را در این سرزمین اسیر می بینم، با حالتی ذلت بار و ترسان، درحالی که می ترسید مردم شما را به سرعت از بین ببرند، پس بر شما باد به استقامت و صبر کردن.»^۲

مصائب حضرت زینب علیها السلام و صبر او بیش از ده ها مصیبت بر حضرت زینب علیها السلام وارد شده که در مقابل آنها

صبر نمودند.^۳ به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) صبر در مصائب پدر و مادر علیهم السلام در آن هنگام که شدت ضربه در خانه توسط مهاجمان، پهلوی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را شکست و ضربه تازیانه دست او را مجروح ساخت، حضرت زینب علیها السلام ضمن همدردی با مادر، صبر نمودند.

آن بانوی عزیز پس از شهادت مادر نیز شاهد درد و رنج تنهایی پدر بودند که سر بر چاه می گذارند و مظلومیت خود را به چاه می گفتند و سرانجام به شهادت رسیدند، با اینکه این خود مصیبت بزرگ دیگری بود که به هیچ وجه برایشان قابل جبران نبود؛ اما باز هم صبر نمودند.

۳. زینب کبری علیها السلام عقیله بنی هاشم، حسن الهی، مؤسسه فرهنگی آفرینه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ش، صص ۷۰ - ۷۳.

۱. همان، ج ۲۸، ص ۵۷ - ۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، صص ۱۷۹ - ۱۸۳.

ب) صبر بر مصائب امام حسن علیهما السلام

بعد از شروع دوران خلافت برادرش امام حسن مجتبی علیهما السلام مصائب غریبی و بی کسی برادر و بی ثباتی یاران بی وفای ایشان، دل حضرت زینب علیها السلام را به درد می آورد. این سختی ها زمانی به اوج خود رسید که خبر مسموم شدن برادرشان به ایشان رسید و از این سخت تر برای حضرت زمانی بود که شاهد تیرباران شدن بدن مطهر برادرشان به هنگام تدفین بودند؛ اما با این حال صبر کردند.

ج) صبر بر مصائب کربلا

در حادثه کربلا، حضرت زینب علیها السلام تلخ ترین دوران عمر خود را پیش رو داشتند؛ روزی که در وصف آن گفته

شده «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛^۲ هیچ روزی (در سختی) مانند روز تو نیست، ای اباعبدالله!» روزی که حضرت زینب علیها السلام در مقابل مصائب متعددی صبر کردند:

۱. در مقابل تشنگی و عطش زنان و اطفال؛
۲. شهادت فرزندان، برادران و فرزندان برادر؛
۳. شهادت برادرش امام حسین علیهما السلام و قطعه و قطعه شدن او؛
۴. سفر طولانی و طاقت فرسای اسارت از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام؛
۵. بیماری امام سجاد علیهما السلام و کتک خوردن زنان؛

۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، مطبعة الحیدریه، نجف اشرف، قم، ۱۴۳۱ق، ج ۴، ص ۲۰۴؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۵۷.

۲. اللهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، ترجمه: احمد فهری زنجانی، نشر جهان، تهران، بی تا، ص ۲۵.

۶. دیدن سرهای بریده شهدا بر سر
نیزه‌ها و بی‌تابی کودکان یتیم و ماتم زده
و خسته؛

۷. هتک حرمت به حرم رسول خدا ﷺ
و شادمانی مردم کوفه و شام و خارجی
خواندن خاندان پیامبر اسلام ﷺ و
صدها فجایع و مصیبت دیگر.

مصیبت‌هایی که یکی از آنها برای از پا
درآوردن هر انسانی کافی است؛ اما
حضرت زینب کبری (ع) همچون کوهی
سترگ و استوار صبر کردند.

به‌راستی که انسان با شدت بلایا و
مصائب حضرت زینب (ع) تردیدی در
عظمت صبر و بزرگی مقام ایشان پیدا
نمی‌کند و سخن پدر گرامی‌اش را به
ذهن تداعی می‌کند که فرمودند: «إِنَّ
أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ
ثُمَّ الْأُمَمُ فَلَا مَثَلَ شَدِيدَتِهَا وَ
مصائب بر پیامبران وارد می‌شود، سپس

به اوصیای آنها و بعد به شبیه‌ترین افراد
به آنها.»

سلام بر تو ای کسی که صبر شد حقیر
تو

ندیده بعد فاطمه جهان زنی نظیر تو
(د) صبر در مجلس ابن‌زیاد

در مجلس ابن‌زیاد، آنگاه که آن ملعون
با نیش زبانش نمک به زخم حضرت
زینب (ع) پاشید و برای آزدن او گفت:
«كَيْفَ رَأَيْتِ صُنْعَ اللَّهِ بِأَخِيكِ وَ
اهل بیتک؟» کار خدا را با برادر و
خانواده‌ات چگونه یافتی؟» در پاسخ
درنگ نمی‌کند و با آرامشی که از صبر
او حکایت داشت، می‌فرماید: «مَا رَأَيْتُ
إِلَّا جَمِيلًا»^۳ جز زیبایی چیزی ندیدم.»
ابن‌زیاد از این همه صبر و استقامت و

۲. همان، ج ۴۵، ص ۱۱۶.

۳. اللهوف، ص ۱۶۰.

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۲۲.

تسلیم او در مقابل مصیبتها متعجب شد و قدرت محابه را از دست داد.

ای زینبی که محنت عالم کشیده‌ای
غیر از بلا و درد به عالم چه دیده‌ای؟
یارب زنی و این همه استواری و علو

چون زینب صبور مگر آفریده‌ای؟

درس پنجم:

شجاعت و شهامت حسینی علیها السلام

از صفات بارز پروا پیشگان این است که خدا در نظر آنان بزرگ و غیر او در نظرشان کوچک و حقیر است. امام علی علیها السلام می‌فرماید: «عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ صَغَّرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^۱ خالق در نظر آنان بزرگ است، پس غیر

او در چشم‌شان کوچک می‌باشد.» سرّ شجاعت اولیای الهی نیز در همین است.

حضرت زینب علیها السلام که خود چنین دیدی دارد و در خانواده شجاعت تربیت شده است، از شجاعت حیدری و حسینی علیهما السلام بهره‌مند است. او به «لَبُوءَ الْهَاشِمِيَّةِ»^۲ شیرزن هاشمی لقب گرفته است و چون مردان بر سر دشمن فریاد می‌زند، تحقیرشان می‌کند، در میان آن همه کشته‌ها فریاد می‌زند و در مجلس ابن‌زیاد، بدون توجه به قدرت ظاهری او، تحقیرش می‌کند و او را «فاسق» و «فاجر» می‌خواند و در مقابل یزید خیره‌سر و بدزبانی‌های او، شجاعت حیدری را به نمایش می‌گذارد.

آری، حضرت زینب علیها السلام سمبل زنی شجاع، مدیر و لایق رهبری در اوضاع و

۱. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج ۶،

۲. زیارتنامه حضرت زینب علیها السلام، علی

شرایط سخت بود. او اسیر و چه بسا بسته به زنجیر بود. مصیبتها و ناملایمات روحی و بدنی او را رنجور نموده بود؛ اما ترسی در او دیده نشد.

حضرت زینب علیها السلام در مواجهه با صحنه نبرد

حضرت زینب علیها السلام دید که گروهی خون آشام شمشیرها را بالا و پایین می‌بردند. با شجاعت تمام خطاب به عمر بن سعد فرمود: «وَيَحْكَا يَا عُمَرُ! أَيُقْتَلُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ أَنْتَ تَنْظُرُ إِلَيْهِ فَلَمْ يُجِبْهَا عُمَرُ بِشَيْءٍ فَنَادَتْ وَيَحْكُمُ أَمْ مَا فِيكُمْ مُسْلِمٌ فَلَمْ يُجِبْهَا أَحَدٌ بِشَيْءٍ؛^۱ وای بر تو ای عمر! حسین پسر پیغمبر صلی الله علیه و آله [و باقی مانده و جانشین نبوت و بهترین جوانان اهل بهشت] را می‌کشند و تو ایستاده و نگاه می‌کنی؟ عمر بن سعد جواب نداد.» به لشکریان یزید گفت:

۱. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد،

شیخ مفید، مؤسسه آل البیت، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۱۲.

«آیا بین شما یک نفر مسلمان نیست؟ آنها هم جواب ندادند.» آنگاه زینب علیها السلام با پیکر خون‌آلود برادر به گفتگو نشست.

شجاعت زینبی در شام غریبان

حضرت زینب علیها السلام با تمام تشویش و اضطراب شام عاشورا، نه تنها توانست بر اضطراب و پریشانی خود فائق آید؛ بلکه صبورانه با هر کدام از خیل زنان و دختران خردسال خونین‌جگر و اسیر به‌گونه‌ای رفتار کرد که موجب تسلی آنان گردد. با آن همه تألمات روحی و فرسودگی جسمی، نماز شبش را ترک نکرد و هیچ‌گاه در مقابل دشمن ضعف و زبونی نشان نداد و صبر و شجاعت خویش را به نمایش گذاشت.

وقتی آفتاب روز عاشورا از خجالت فرو نشست، به دستور امام سجاد علیه السلام، تمامی زن و بچه‌ها رو به بیابان فرار کردند؛ ولی حضرت زینب علیها السلام پس از نجات جان برادرزده‌اش، با کمک خواهرش،

ایشان در برابر یزید نمونه‌هایی از شجاعت حضرت است.



ام‌کلثوم علیها السلام، به جستجوی زنان غم‌زده و دختران یتیم پرداخت و همه را جمع کرد. ایشان با شجاعتی تمام و با لحن ولایتی خود، بر عمر بن سعد فریاد زدند. نقل شده است: «عمر سعد به لشکریانش دستور داد کسی مزاحم این زنها و متعرض این جوان بیمار (امام سجاد علیه السلام) نشود. زنان گفتند: آنچه از لباسهای ما به غارت رفته، بر گردانند تا خود را با آن بپوشانیم. عمر دستور داد بر گردانند؛ ولی یک نفر بر نگرداند (با فریاد حضرت زینب علیها السلام عمر بن سعد مجبور شد) کسانی را دورتر برای پاسداری حرم و امام سجاد علیه السلام بگمارد که اراذل کوفه و شام متعرض دختران پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نشوند»^۱

سخنرانی شجاعانه و کوبنده حضرت زینب علیها السلام در کوفه، بیانات شجاعانه در مجلس ابن‌زیاد، و شجاعت علوی

